

چالش های مجلس هشتم

افسانه قلمیار بند

وظیفه نمایندگی

مجلس در راس امور است. این روزها خیلی این جمله را می شنویم که به اهمیت فوق العاده مجلس در امور مملکتی اشاره دارد. مجلسی که مهمترین وظیفه اش قانونگذاری و نظارت بر حسن اجرای آن است؛ مجلسی که طبق قانون اساسی در زمان بحران و حتی در شرایط عادی توان تاثیرگذاری بر امور سیاسی و اقتصادی کشور را دارد، قادر است و باید کشور را در مسیر تعادل نگاه دارد. مجلس موظف است در شرایط حساس در امور کلان کشور وارد شده و اجازه ندهد کشور دچار بحران - سیاسی و اقتصادی - شود. این وظیفه نمایندگان است که به عنوان وکلای ملت ایران در مجلس قانونگذاری نظارت و خواسته های مردم را لحاظ نموده و اجازه ندهند با تصمیمات اشتباه، مردم غرق در مشکلات معیشتی شوند. همچنین از آنها که حضورشان در عرصه قانونگذاری ماحصل رای مردم است، انتظار می رود بتوانند با شجاعت خواسته هایشان را محکم و مقتدرانه در مجلس بیان کنند و مصلحت عام را در نظر بگیرند.

در این مجال فارغ از پرداختن به رد صلاحیت گسترده کاندیداهای مجلس هشتم به هر دلیلی که اعتراضات گسترده ای از مسوولان رده بالا، برخی از مراجع تقلید و

نیروهای در بطن انقلاب داشته، به بررسی وظایف و انتظارات از مجلس هشتم خواهیم پرداخت. در ابتدای مقاله نیز وظیفه اصلی مجلس را در قانونگذاری و نظارت در اجرای صحیح قوانین دیدیم؛ اما با توجه به عدم برآورده شدن انتظارات مردم از مجلس هفتم و با توجه به بحران حاکم در کشور که مدام توسط دولت با آمارهای بحث برانگیز تکذیب می گردد، ولی در زندگی روزمره مردم به طرز محسوسی چشم می خورد و شعارهای بی عمل مانده مجلس هفتم، توقعات و انتظارات مردم از مجلس هشتم سر به فلک خواهد کشید. لازم به ذکر است که در کنار نقاط قوت مجلس هفتم و تصمیمات مهم و شایسته ای که در آن گرفته شده است، نقاط ضعف فراوان و پرننگی نیز در عملکرد آن به چشم می خورد که انتظار می رود در دور بعدی این اشتباهات تکرار نشود و ضعف های مجلس هفتم با تصمیمات صحیح پوشش داده شود.

مجلس هشتم و دولت

طی سه سال اخیر با روی کار آمدن دولت مهرورز و عدالت پیشه، رویه مجلس تغییر نمود، مجلس تا ۲ سال اول فعالیت خود یک مجلس پویا، نقاد و پرسشگر بود و به تحقیق و تفحص در مجلس اهمیت فراوانی داده می شد و تاثیرات به

سزایی نیز در مسایل سیاسی و فرهنگی و اقتصادی داشت. مجلس زنده بود و می توانست آزادانه و مستقل تصمیم بگیرد، می توانست بنا به مصلحت کشور و برای توسعه و رشد و افزایش رفاه مردم تصمیم بگیرد و انجام وظیفه نماید. اما به محض اینکه دولت نهم شکل گرفت و مستقر شد، همسویی مجلسیان با دولت باعث شد مجلس از وظایف اصلی خود سرباز زند و از وجه نظارتی و جایگاه قانونی خود فاصله بگیرد و مردم را ناامید از نظارت قانونی امور نماید. مجلسی که با عزم راسخ آمده بود تا مشکلات را واکاوی نموده و راه حلی برای معضلات ارایه نماید، تبدیل به نهادی جهت اعمال قدرت و خواسته های یک طرفه و غریب با کار کارشناسی از طرف دولت گردید و این گونه صدای اعتراض تعداد اندکی از نمایندگان مقید و وظیفه شناس را بلند نمود؛ چنان که به گفته ی برخی از آنان آنچه در عرصه رسمی کشور می گذرد به هیچ وجه مطلوب نیست.

یکی از انتظاراتی که از مجلس هشتم می رود این است که با توجه به این که سال اول حضور خود را همراه با دولت نهم باید بگذرانند، این است که به وظیفه قانونی خود عمل نموده، به قوانین و برنامه های کشور احترام بگذارند، نظارت قانونی خود را حفظ نموده و مقتدرانه تر از مجلس قبل نظارت خود را اعمال نمایند، خاموش نباشند و مصلحت خود را به مصلحت

مردم ترجیح ندهد. اجازه ندهد که دولت هر نهادی را که خواست منحل و خود را وارد هر عرصه‌ای نماید. چراکه در مجلس هفتم، دولت به راحتی سازمان برنامه و بودجه را که مهمترین نهاد در زمینه برنامه ریزی بود، تعطیل کرد و خود اختیار همه امور را در دست گرفت و فضای نقد و کارشناسی را عملاً بست. مجلس هشتم باید عرصه نقد را پاس دارد و بداند که آگاهی بخشی حق مردم است، این حق مردم است که امور کاملاً شفاف بیان شود و تصمیمات روشن باشد، در مجلس هفتم بارها شاهد این بودیم که نظارت یا تذکر به شکل جدی داده نشد تا مجلس خود را با دولت همسو نشان دهد. در حالی که دولت هیچ تلاشی برای همسو نشان دادن خود با مجلس نکرد.

مجلس هشتم نباید با بی‌برنامگی و دنباله‌روی از دولت به روند اشتباه مجلس قبلی ادامه دهد بخصوص هیات ریسه نباید حفظ روابط با دولت را بر انجام وظایف خود در دفاع از جایگاه مجلس ترجیح دهد. نباید صحن علنی مجلس محل تملق‌گویی و انجام اعمال متملقانه برخی از نمایندگان از دولت باشد و بدینوسیله شان مجلس را زیر سوال برده و ناظران را به یاد تملق‌گویی‌های درباری بیندازد. گرچه متبرک شدن با لیوان آب نیم خورده رییس دولت نیز کاری از پیش نبرد.

مشکلات اقتصادی و مجلس هشتم

با توجه به وجود امکانات و توانایی‌های کشور ایران که در کمتر کشور پیشرفت‌های پیدا می‌شود، اما ایران جزو کشورهای جهان سوم قرار دارد. درآمد سرانه ایران حدود ۲ هزار دلار در سال تخمین زده شده در حالی که این شاخص را برای کشورهای پیشرفته بیش از ۳۰ هزار دلار یعنی ۱۵ برابر کشور ما برآورد کرده‌اند. نرخ بیکاری در ایران بالا است و ۵/۳ میلیون نفر بیکارند. بر اساس گزارشات رسمی سازمان‌های دولتی حدود ۳۰ درصد مردم ایران نزدیک و یا زیر خط فقر قرار دارند. نرخ تورم در کشور ما به طور متوسط در ده سال اخیر بالای ۱۵ درصد قرار داشته در حالی که این نرخ در کشورهای پیشرفته حدود ۲/۵ درصد بوده است. امید به زندگی در ایران حدود ۱۵ سال کمتر از کشورهای پیشرفته اروپایی و ژاپن است. چرا با این همه امکانات که از آن برخورداریم و در جهان کم‌نظیر است، از نظر اقتصادی در وضعیت مطلوبی قرار نداریم؟ برای پاسخ به این پرسش یک سری دلایل تاریخی و سیاسی و یک سری دلایل مدیریتی و اقتصادی مربوط به شرایط فعلی کشور و نحوه اداره آن وجود دارد. در اواخر دوره پهلوی صرف‌نظر از درآمدهای نفتی که فقط برای مدت کوتاهی یک رفاه کاذب و نسبی برای بخش کوچکی از مردم ایجاد کرده بود، کشور ایران در رده کشورهای عقبمانده علمی و صنعتی جهان به شمار میرفت. همین وضعیت اسفناک در کنار اوضاع نابسامان فرهنگی و وابستگی سیاسی حکومت پهلوی به کشورهای خارجی از دلایل مهم انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاه توسط مردم ایران بود. در ارتباط با مشکلات اقتصادی ایران نیز می‌توان گفت:



مجلس هشتم باید با توجه به افزایش قابل ملاحظه درآمدهای نفتی و اهمیت صندوق ذخیره ارزی برای ملت، اجازه برداشت بی‌رویه، غیر مجاز و خارج از اصول صندوق دولت ندهد

توجه به افزایش قابل ملاحظه درآمدهای نفتی و اهمیت صندوق ذخیره ارزی برای ملت، اجازه برداشت بی‌رویه، غیر مجاز و خارج از اصول صندوق دولت ندهد چرا که در حال حاضر به هر بهانه‌ای دولت کسری بودجه خود را از صندوق ارزی جبران می‌کند و این به ضرر مردم و نسل‌های بعدی است. با برداشت از صندوق یعنی از ۵۰ درصد درآمدهای نفتی که جهت وام‌دهی به بخش خصوصی می‌باشد، مخارج دولت افزایش می‌یابد و دولت مصرف‌گرا مردم را نیز به مصرف‌گرایی سوق می‌دهد، و بخش خصوصی دچار بحران جدی خواهد شد. با توجه به تحریم‌های خارجی و شرایط نامناسب ایران در بازار بین‌المللی، تکیه دولت به درآمدهای نفتی با کاهش قیمت نفت یا تحریم و کاهش صادرات نفت فاجعه به بار خواهد آورد. لذا مجلس موظف است با آینده‌نگری و اخذ تصمیمات مناسب این بحران‌ها را کاهش دهد. همین‌طور باید تورمی که نرخ واقعی آن بین ۲۰ تا ۲۵ درصد (طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس) است را با نظارت خوب خود مهار نموده چرا که این روند فزاینده تورم در یکی دو سال گذشته و کاهش رشد اقتصادی و بالا رفتن نرخ بیکاری در کشور در سال‌های ۸۷ و ۸۸ خود را نشان خواهد داد و اگر سیاست‌های اقتصادی دولت تحت کنترل و نظارت بیشتر مجلس شورای اسلامی متعادل نشود شرایط دشواری را پیش رو خواهیم داشت. در انتها مجلس هشتم باید از اشتباهات مجلس هفتم عبرت گرفته و ادامه‌دهنده‌ی نقاط قوت آن مجلس باشد. امید است مجلس هشتم با اعتماد به نظرات کارشناسان تحت تاثیر نهاد خاصی قرار نگیرد و به وظایف اصلی خود عمل کند.

اولاً - مجلس باید با تقویت نظارت خود، سواستفاده‌های اقتصادی و خला‌های قانونی را که منجر به معضلات بی‌شماری گشته است را رفع نموده و فاصله گرفتن‌های بی‌حساب با برنامه‌های کشور را کنترل نماید و دولت را متعهد به برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و چشم‌انداز بیست‌ساله و بازسازی سازمان برنامه و بودجه نموده تا شاید امکان برطرف شدن چالش‌های فعلی و آتی به وجود آید. سومدریخت در مجلس رفع گردد. مجلس هشتم باید در ابعاد نظارتی بسیار پرتوان ظاهر شود. مهمتر از همه اینکه نباید به دولت اجازه دهد تا با زیر سوال

بردن درستی و اعتبار برنامه‌ها و قوانین موجود در کشور، زحمات و تلاش‌ها و بعضاً موفقیت‌های دولت‌ها و مجلسیان سابق تصویب‌کننده این برنامه‌ها را لگدمال کند. بسیار جای شگفتی است دولتی که منتقد برنامه چهارم است و به این دلیل عدم وفاداری به آن را توجیه می‌کند، برنامه جایگزینی ارائه نمی‌کند و مجلس از دولت نمی‌خواهد که اصلاحیه‌ها و تعدیلات خود و یا برنامه جایگزین را ارائه دهد. و به دلیل عدم پیگیری جدی مجلس، دولت خود را موظف به این کار ندانسته است.

ثانیاً - در حال حاضر در کشور نقدینگی فراوان وجود دارد. افزایش در مخارج دولت بخصوص با بودجه انبساطی ۸۷ که پیام آور رشد کسری بودجه در سال آتی است و عدم شفافیت محل خرج درآمدهای دولت بخصوص درآمدهای نفتی، بی‌ثباتی اقتصادی را در این چند ساله به همراه داشته است. اگر به متغیرهای کلان دیگر توجه کنیم مشاهده می‌کنیم که تورم فزاینده و کاهش توان خرید مردم و کاهش در رشد اقتصادی، نرخ بالای بیکاری به خصوص بیکاری جوانان، تورم فزاینده در بازار مسکن، مسایلی است که کشور با آن روبه‌رو می‌باشد. تک‌تک این عوامل می‌توانند به بارآورنده مشکلات اجتماعی و فرهنگی و افزایش بزهکاری و در نهایت تشدید توسعه نیافتگی شوند.

در این میان مجلس هشتم باید با توجه به افزایش قابل ملاحظه درآمدهای نفتی و اهمیت صندوق ذخیره ارزی برای ملت، اجازه برداشت بی‌رویه، غیر مجاز و خارج از اصول صندوق را به دولت ندهد چرا که در حال حاضر به هر بهانه‌ای دولت کسری بودجه خود را از صندوق ارزی جبران می‌کند و این به ضرر مردم و نسل‌های بعدی است. با برداشت از صندوق یعنی از ۵۰ درصد درآمدهای نفتی که جهت وام‌دهی به بخش خصوصی می‌باشد، مخارج دولت افزایش می‌یابد و دولت مصرف‌گرا مردم را نیز به مصرف‌گرایی سوق می‌دهد، و بخش خصوصی دچار بحران جدی خواهد شد. با توجه به تحریم‌های خارجی و شرایط نامناسب ایران در بازار بین‌المللی، تکیه دولت به درآمدهای نفتی با کاهش قیمت نفت یا تحریم و کاهش صادرات نفت فاجعه به بار خواهد آورد. لذا مجلس موظف است با آینده‌نگری و اخذ تصمیمات مناسب این بحران‌ها را کاهش دهد. همین‌طور باید تورمی که نرخ واقعی آن بین ۲۰ تا ۲۵ درصد (طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس) است را با نظارت خوب خود مهار نموده چرا که این روند فزاینده تورم در یکی دو سال گذشته و کاهش رشد اقتصادی و بالا رفتن نرخ بیکاری در کشور در سال‌های ۸۷ و ۸۸ خود را نشان خواهد داد و اگر سیاست‌های اقتصادی دولت تحت کنترل و نظارت بیشتر مجلس شورای اسلامی متعادل نشود شرایط دشواری را پیش رو خواهیم داشت. در انتها مجلس هشتم باید از اشتباهات مجلس هفتم عبرت گرفته و ادامه‌دهنده‌ی نقاط قوت آن مجلس باشد. امید است مجلس هشتم با اعتماد به نظرات کارشناسان تحت تاثیر نهاد خاصی قرار نگیرد و به وظایف اصلی خود عمل کند.